



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ آبان ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثانی: المعدن)

مصادف با: ۱۵ محرم ۱۴۳۶

موضوع جزئی: اعتبار وحدت در نصاب - فرع اول: بررسی اعتبار وحدت از حیث اخراج

جلسه: ۲۲

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

فرع اول: وحدت از حیث اخراج

تا اینجا ما در مورد معدن، تعریف معدن و نصاب معدن مطالبی را بیان کردیم قسمت باقیمانده از این بخش متن تحریر پیرامون اعتبار وحدت در نصاب است؛ اگر ما گفتیم نصاب در خمس معتبر است و باید اندازه‌ای که از معدن استخراج می‌شود به بیست دینار برسد بحث در این است که آیا وحدت در مسئله نصاب اعتبار دارد یا ندارد (این عنوان کلی بحث بود). گفتیم وحدت یا تعدد از چهار جهت می‌تواند مورد نظر قرار بگیرد و لذا چهار فرع در این بحث وجود دارد: وحدت از حیث اخراج، وحدت از حیث مخرج، وحدت از حیث مخرج و وحدت از حیث مکان؛ فرع اول درباره خود اخراج است؛ اینکه آیا برای وجوب خمس وحدت در اخراج معتبر است یعنی آنچه که از معدن استخراج می‌شود اگر یکبار و یک دفعه اخراج شد و به اندازه بیست دینار بود خمس واجب است یا نه اگر اخراج متعدد هم باشد در عین حال خمس واجب می‌شود به شرط اینکه مجموع آنچه که در این اخراج‌ها بدست می‌آید به بیست دینار برسد. پس در فرع اول بحث از اعتبار یا عدم اعتبار وحدت یا تعدد در خود اخراج است.

تنقیح محل نزاع

در ابتداء بحث لازم است که محل نزاع تنقیح شود؛ اینکه بزرگان در چه مسئله‌ای اتفاق نظر دارند و در چه محدوده‌ای بین آنها اختلاف است. دو صورت از محل نزاع خارج است یعنی در این دو صورت اختلافی وجود ندارد: صورت اول: یک صورت اینکه آنچه که از معدن استخراج می‌شود در یکبار و یک دفعه به اندازه بیست دینار برسد به عبارت دیگر وحدت حقیقی و واقعی در اخراج وجود داشته باشد مثلاً بار اولی که استخراج از این معدن را شروع می‌کنند آنچه بدست می‌آید بیش از بیست دینار باشد. در این صورت تردیدی نیست که خمس واجب است و اختلافی در آن نیست. پس اگر وحدت حقیقی در اخراج باشد قطعاً خمس واجب است اگر به بیست دینار در همان مرحله اول برسد.

صورت دوم: صورت دیگر آنجایی است که وحدت حقیقی در اخراج نباشد ولی وحدت حکمی وجود داشته باشد یعنی حقیقتاً اخراج یکی نیست و در اخراج واحد به اندازه بیست دینار نمی‌رسد ولی حکماً واحد است. منظور از اینکه می‌گوییم وحدت حکمی دارد یعنی اینکه ممکن است بالدقة العقلية یک اخراج نباشد ولی قطعاً عرف این را یک اخراج حساب

می‌کند. مثلاً از یک چاه نفت در عرض یک ساعت چند سطل استخراج شود، اینجا وحدت حقیقی نیست چون هر بار به اندازه یک ظرف استخراج می‌شود که بیست دینار نمی‌شود ولی مجموع اخراج‌ها حکماً واحد است چون این اخراج‌ها ولو بالدقة العقلية واحد نیست، لکن عرف آنها را واحد می‌داند.

پس در جایی که تخللی بین استخراج واقع نشده و هیچ اهمال و اعراضی در استخراج نبوده، از نظر عرف یک اخراج حساب می‌شود و طبیعتاً مجموع آن ملاحظه می‌شود و لذا چنانچه مجموع به بیست دینار برسد خمس آن واجب است. در این صورت دوم هم اختلافی نیست؛ پس اگر اخراج حقیقتاً واحد باشد یا حکماً واحد باشد خمس در آن واجب است. صورت سوم: اما در یک صورت بحث و اختلاف واقع شده و آن صورتی است که اخراج حقیقتاً واحد نیست و حکماً هم واحد نیست؛ کسانی که وحدت از حیث اخراج را معتبر نمی‌دانند اینجا قائل هستند که اگر در یک اخراج به اندازه بیست دینار استحصال نشود مجموع آنچه که در دفعات مختلف استخراج می‌شود اگر به بیست دینار برسد خمس آن واجب است اما کسانی که معتقد به اعتبار وحدت از حیث اخراج هستند اینجا مجموع را ملاحظه نمی‌کنند و می‌گویند هر بار اگر به بیست دینار رسید خمس واجب است لذا اگر این اخراج در دفعات متعدد باشد و در هیچ یک از اینها به بیست دینار نرسد خمس واجب نیست.

لذا ثمره عملی در اختلاف بین کسانی که وحدت را معتبر نمی‌دانند و کسانی که وحدت را معتبر می‌دانند، وجود دارد. پس موضوع بحث و محل نزاع جایی است که وحدت حقیقی و حکمی در اخراج نباشد و در این مورد بحث واقع شده که آیا خمس واجب است یا نه؟

در این صورت سوم نیز دو فرض وجود دارد:

۱- تارة تعدد مسبب از اعراض و اهمال است به نحوی که عود و بازگشت مستخرج یک عمل جدید و مستقل حساب می‌شود و دیگر به عمل اول او مرتبط نیست مثلاً امروز مقداری استخراج می‌کند و از این معدن چیزی بدست می‌آورد و مدتی استخراج را رها می‌کند و بنای بازگشت ندارد ولی بعد از مدت‌ها شروع به استخراج می‌کند. در این صورت اخراج متعدد است و این تعدد در اخراج ناشی از اعراض و اهمال نسبت به استخراج از این معدن است.

۲- گاهی تعددی که در اخراج پیش می‌آید مسبب از اعراض و اهمال نیست مثلاً یک نوبت استخراج کرده لکن به واسطه عارض شدن مریضی مدتی فاصله افتاده و در دفعه دوم استخراج را شروع می‌کند در اینجا اخراج متعدد است ولی این اخراج دوم ناشی از اعراض و اهمال نیست.

حال ما می‌خواهیم ببینیم در صورت تعدد اخراج آیا ما باید نصاب هر دفعه را مستقلاً لحاظ کنیم یا نصاب مجموع را؟ به عبارت دیگر آیا آنچه که استخراج شده در هر دفعه به اخراج در دفعه دیگر ضمیمه می‌شود یا نه؟ به عبارت سوم آیا برای

تعلق خمس نصاب مجموع ملاحظه می شود یعنی وحدت در اخراج معتبر نیست یا نصاب مجموع ملاحظه نمی شود و هر اخراج مستقلاً لحاظ می شود؟

پس چنانچه ملاحظه فرمودید دو صورت از محل نزاع خارج است یعنی در جایی که اخراج حقیقتاً واحد باشد و جایی که حکماً واحد باشد، هیچ اختلافی وجود ندارد و لذا مشمول وجوب خمس می شود.

بحث در جایی است که اخراج نه حقیقتاً و نه حکماً یکی نباشد و متعدد باشد حال این تعدد یا ناشی از اعراض و اهمال است و بازگشت شخص عمل مستأنف حساب می شود یا ناشی از اعراض و اهمال نیست و عود او عمل جدید محسوب نمی شود.

اقوال سه گانه

حال با ملاحظه محل نزاع یعنی این دو صورت اقوالی در مسئله وجود دارد:

قول اول

قول اول این است که در این دو صورت هم مطلقاً خمس واجب است. اگر نصاب در مجموع محقق شود یعنی مجموع آنچه استخراج شده در دفعات مختلف به بیست دینار برسد، خمس واجب است پس لازم نیست اخراج دفعتاً باشد و اگر مجموع در دفعات مختلف به بیست دینار برسد، برای وجوب خمس کفایت می کند.

طبق این قول وحدت از حیث اخراج در نصاب معتبر نیست. امام (ره) و مرحوم سید قائل به این قول هستند. مرحوم امام فرمودند: «و لا يعتبر الاخراج دفعة على الاقوى» اخراج واحد معتبر نیست «فلو أخرج دفعات و بلغ المجموع النصاب وجب خمس المجموع» مرحوم سید هم در عروة همین نظر را دارند که اگر در دفعات متعدد اخراج صورت بگیرد و مجموع به حد نصاب برسد خمس واجب است.

قول دوم

قول دوم این است که وحدت در اخراج در نصاب معتبر است مطلقاً یعنی اگر اخراج واحد نباشد نه حقیقتاً و نه حکماً، در این صورت خمس واجب نیست و نصاب مجموع ملاحظه نمی شود.

مرحوم آقای خوئی قائل به اعتبار وحدت از حیث اخراج است لکن در مورد دو فرض صورت سوم می گوید: جایی که تعدد مسبب از اعراض و اهمال نیست و عود آن عمل جدید محسوب نمی شود، اینجا در واقع متمم و مکمل اخراج اول است و اعراض بعد العود اگر متصل به سابق باشد اینجا مجموع در واقع یک عمل محسوب می شود و دو عمل نیست مثل اینکه کسی در حال سخنرانی است ولی ناگهان سخنرانی را تمام می کند و بنا را بر نا تمام گذاشتن سخن می گذارد یعنی از اتمام سخن اعراض می کند لکن بعد از لحظاتی مشکل بر طرف شده و این سخنران به ادامه سخنرانی برمی گردد، اینجا در واقع دو سخنرانی نیست بلکه تتمیم و تکمیل سخنرانی اول است هر چند اعراض کرده ولی این اعراضی است که بر می گردد

به همان عمل اول و بازگشت او عمل مستقل حساب نمی‌شود. به نظر ایشان از نظر عرف این ادامه همان عمل است و عمل مستقل نیست پس طبق نظر دوم وحدت معتبر است یعنی اگر عرفاً استخراج متعدد باشد مجموع حساب نمی‌شود. به نظر محقق خویی ملاک بر وحدت عرفی است و عرف باید اخراج را یکی یا متعدد حساب کند. اگر از نظر عرف عمل و اخراج دوم مکمل و متمم اخراج اول نباشد مجموع ملاحظه نمی‌شود.^۱ پس طبق قول دوم وحدت معتبر است و تعدد در اخراج مانع وجوب خمس در صورتی که هر بار کمتر از بیست دینار باشد، می‌شود.

مرحوم آقای بروجردی هم نظیر همین مطلب را فرموده است.^۲

قول سوم

قول سوم تفصیلی است که مرحوم علامه و به تبع ایشان مرحوم شیخ انصاری داده‌اند و آن هم تفصیل بین صورت اعراض و اهمال و غیر آن است. اینها می‌گویند اگر این تعدد در اخراج مسبب از اعراض و اهمال باشد، خمس واجب می‌شود به شرط اینکه در هر دفعه به بیست دینار برسد. اما اگر تعدد مسبب از اعراض و اهمال نباشد، مجموع محاسبه می‌شود.

بحث جلسه آینده: تا اینجا محل نزاع معلوم شد و اقوال هم بیان گردید حال باید دید بین قول محقق خویی و قول به تفصیل

یعنی قول علامه و شیخ انصاری چه تفاوتی وجود دارد که إن شاء الله در جلسه آینده مورد رسیدگی قرار خواهیم داد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. کتاب الخمس (موسوعه)، ج ۲۵، ص ۴۶-۴۷.

۲. تقریرات خمس آیه الله بروجردی، ص ۳۴۹.